از جمله مواردی که در مورد آنها بر شما می ترسم، این است که پس از من دروازه های زرق و برق دنیا بر شما گشوده شود

از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم بر منبر نشست و ما نیز پیرامونش نشستیم. فرمودند: «از جمله مواردی که در مورد آنها بر شما می ترسم، این است که پس از من دروازه های زرق و برق دنیا بر شما گشوده شود» مردی گفت: ای رسول الله آیا خیر شر می آورد؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم سکوت کردند، و به او گفته شد: تو را چه شده است؟ تو با پیامبر صلی الله علیه وسلم حرف می زنی در حالی که او با تو حرف نمی زند؟ و ما دیدیم که بر او وحی نازل می شد؟ گفت: سپس وی صلی الله علیه وسلم عرق خود را پاک نموده و فرمودند: سوال کننده کجاست؟ گویا او را ستایش می‌کند، و فرمودند: «خیر شر نمی‌آورد، و از آنچه بهار می‌رویاند، می‌کشد یا نزدیک به کشتن می رساند، بجز سبزه‌خوار، که می‌خورد تا این که دو طرفش رو پُر شود، سپس رو به خورشید نموده، سرگین و ادرار می کند، و می چرد، و این مال سبز و شیرین است، پس بهترین صاحب مسلمان کسی است که از آن به فقیر و یتیم و راه مانده می دهد - و یا طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود است -، و هر که بدون حق آن را بگیرد، مانند کسی است که می خورد و سیر نمی شود، و در روز قیامت بر او گواه خواهد بود».

[صحیح] [متفق علیه]

روزی پیامبر صلی الله علیه وسلم بر منبر نشست و با اصحاب خود سخن می گفتند و فرمودند: بیشترین چیزی که پس از من بر شما از آن بیم دارم این است که برکت های زمین، زرق و برق و زینت دنیا بر شما گشوده شود، و هر آنچه که در آن است از قبیل انواع کالاها و لباس ها و زراعت زینت وغیره مواردی که مردم با وجود کوتاهی بقای آن به زیبایی آن افتخار می کنند. مردی گفت: زیبایی دنیا نعمتی از سوی الله متعال است، پس آیا این نعمت تبدیل به نفرین و عذاب می شود؟! مردم سوال کننده را ملامت نمودند، چون ایشان رسول الله صلی الله علیه وسلم در حال سکوت دیدند، و گمان نمودند که آن شخص او صلی الله علیه وسلم را قهر نمود. پس روشن شد که بالای رسول الله صلی الله علیه وسلم وحی نازل می شد، سپس او صلی الله علیه وسلم عرق را از پیشانی خود پاک نموده و فرمودند: سوال کننده کجاست؟ گفت: من هستم. حمد و ثنای الله را بیان نمود، سپس وی صلی الله علیه وسلم فرمودند: خیر حقیقی جز خیر چیزی دیگر نمی آورد، مگر این زیبایی دنیا خیر محض نیست بنابر فتنه، و منافسه که در آن صورت می گیرد، و بنابر مشغول بودن در آن در مقابل کمال روآوری به آخرت، سپس بر آن مثالی ارایه نموده و فرمودند: گیاه بهاری و سرسبزی آن؛ و آن نوعی از زراعتی است که حیوانات را شگفت زده می نماید و در اثر زیاده خواری و از روی پرخوری یا می کشد و یا نزدیک به کشته شدن می رساند، بجز سبزی خوار که می خورد تا یک طرف شکمش سیر می شود، سپس رو به آفتاب می کند و سرگین نرم را از شکم خود می افکند و یا ادرار می کند، سپس آنچه که در شکمش است بالا می‌آورد و آن را می‌جود (آسیاب) نموده سپس آن را می‌بلعد، و دوباره بر می گردد و می‌خورد. پس این مال مانند گیاه سبز شیرین است، که در حال خوردن زیاد آن کشنده و یا نزدیک کشتن می رساند؛ ولی اگر از آن از راه حلال به مقدار کم و طبق نیاز اکتفا شود ضرری ندارد، پس بهترین صاحب مسلمان کسی است که از آن به فقیر و یتیم و راه مانده می دهد، و هر کس آن را به حق بدست آورد، برایش برکت حاصل می گردد، و هر کس آن را بدون حق بدست آورد، مثل آن است که می خورد و سیر نمی شود، و همان مال در روز قیامت بر وی گواه خواهد بود.